

سبک‌های پردازش هویت: تعامل جنسیت و فرهنگ

الهه حجازی^۱ معصومه فارسی نژاد^۲

چکیده:

به منظور مقایسه سبک‌های پردازش هویت بر مبنای جنس و فرهنگ، ۳۸۴ دانش‌آموز (۱۹۳ پسر و ۱۹۱ دختر) ساکن تهران و ۳۷۵ دانش‌آموز (۱۸۱ پسر و ۱۹۴ دختر) کرد زبان پایه دوم نظری به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. این دانش‌آموزان به سیاهه تجدید نظر شده سبک‌های هویت (ISI-6G) (وایت و همکاران، ۱۹۹۸) پاسخ دادند. این سیاهه سبک اطلاعاتی، هنجاری و مغشوش/اجتنابی و همچنین تعهد هویت را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج نشان از برتری پسران در سبک مغشوش/اجتنابی و برتری دختران در سبک اطلاعاتی در مقایسه با یکدیگر بود. نتایج همچنین نشان داد که دانش‌آموزان کرد زبان به‌طور معناداری بیش از دانش‌آموزان تهرانی از سبک مغشوش/اجتنابی و دانش‌آموزان تهرانی بیش از دانش‌آموزان کرد زبان از سبک هویت اطلاعاتی استفاده می‌کنند. براساس یافته‌ها اثر تعاملی جنسیت و فرهنگ بر هر سه سبک هویت معنادار بود.

براساس یافته‌ها می‌توان گفت که بافت فرهنگی و جنسیت از یک سو و تعامل فرهنگ و جنسیت از سوی دیگر بر شکل‌گیری هویت نوجوانان اثر دارد. **کلیدواژه‌ها:** سبک‌های هویت، تعهد هویت، جنسیت، فرهنگ.

پذیرش ۹۰/۳/۲۶

دریافت: ۸۹/۱۲/۱۲

مقدمه و بیان مسأله

شکل‌گیری هویت و شناسایی عوامل مرتبط با آن همواره مورد توجه روان‌شناسان تحولی نگر بوده است. علت آن را شاید بتوان به نقش مؤثر هویت بر عملکرد فرد در حوزه‌های مختلف از جمله تحصیل، شغل و روابط بین فردی نسبت داد. اریکسون^۳ معتقد است که شکل‌گیری هویت به میزان زیادی به بافت اجتماعی که افراد در آن زندگی می‌کنند، وابسته است. بر همین اساس در مطالعه هویت

e.hejazi@ut.ac.ir

^۱. دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

^۲. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه تهران

^۳. Erikson

باید به بافت فرهنگی، طبقه اجتماعی، قومیت و پیشینه تاریخی توجه داشت (کروگر^۱، ۱۹۹۳). در مطالعه حاضر با توجه به دیدگاه "هویت در بافت"^۲، "سبک‌های پردازش هویت براساس بافت فرهنگی و جنسیت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

شکل‌گیری هویت

اریکسون با تأکید بیش‌تر بر «من» به جای «نهاد» و با اهمیت دادن به نقش فرهنگ، جامعه و تاریخ مفهوم هویت یابی در مقابل سردرگمی هویت^۳ را به عنوان هسته اصلی نظریه روانی-اجتماعی خود ارائه داده است.

تبیینات آشکار اریکسون از فرایند شکل‌گیری هویت، چالشی را پیش روی محققانی که درصدد بررسی و درک این پدیده به‌طور تجربی هستند، قرار داده است (Korgar; 1996). مهم‌ترین بسط دیدگاه اریکسون، الگوی پایگاه هویت^۴ مارسیا^۵ (۱۹۸۰) است. مارسیا چهار پایگاه هویت (موفق^۶، دیررس^۷، زودرس^۸ و مغشوش^۹) را توصیف می‌کند که بر میزان کاوشگری^{۱۰} و تعهدی که نوجوان تجربه می‌کند یا کرده است، استوار هستند. کاوشگری به پرسیدن فعال و بررسی گزینه‌های هویتی گوناگون قبل از تصمیم‌گیری درباره ارزش‌ها، باورها و اهدافی که باید دنبال شوند، مرتبط است. تعهد^{۱۱} عبارت است از ایجاد انتخاب به نسبت محکم در یک حوزه هویتی و درگیر شدن در فعالیت‌های مهمی که در جهت انجام آن صورت می‌گیرد (کروستی^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۹).

1. Kroger

2. Identity-In-Context

3. Identity Confusion

4. Identity Status Paradigm

5. Marcia

6. Achievement Identity

7. Moratorium

8. Forclosure

9. Diffusion

10. Exploration

11. Commitment

12. Crocetti

کروگر، مارتین یوسن^۱ و مارسیا (۲۰۰۹) با انجام یک فراتحلیل روی ۱۲۴ تحقیق طولی و مقطعی در زمینه تغییر در پایگاه‌های هویت، در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵، به این نتیجه رسیدند که نسبت میانگین مربوط به پایگاه هویت موفق و دیررس در طی زمان افزایش و نمرات مربوط به پایگاه هویت زودرس و مغشوش کاهش پیدا می‌کند. همین تحقیقات نشان دادند که درصد زیادی از افراد تا سنین اولیه بزرگ سالی به پایگاه هویت موفق نمی‌رسند.

نظریه پردازان دیگر، توجه خود را به فرایندهایی که سبب شکل‌گیری هویت می‌شود معطوف کرده‌اند (کرپمن، پیتمن ولامک^۲، ۱۹۹۷). برک^۳ (۱۹۹۷) یکی از نظریه پردازانی است که فرایند هویت را یک نظام کنترل- به خصوص یک نظام کنترل ادراک- می‌داند. براساس نظریه کنترل هویت، هویت یک مجموعه از معانی به کار گرفته برای "خود"^۴ در یک نقش یا موقعیت اجتماعی است که شخص را تعریف می‌کند و به عنوان هنجار یا مرجع به کار می‌رود. براساس نظر برک افراد در مواجهه با موقعیت‌های گوناگون به منظور هماهنگ کردن ادراک خویشتن با معیارهای درونی که برای خود دارند، به صورت خود تنظیم عمل می‌کنند. این خود تنظیمی به‌طور پیوسته در جریان است. بنابراین تنها زمانی که شرایط بهنجار و موافق با هنجارها در موقعیتی به هم بخورد، توجه افراد جلب می‌شود (استیتز، توشیما^۵، ۲۰۰۱). براساس نظریه کنترل هویت، شکل‌گیری هویت یک فرایند سیبرنتیک است. براساس این فرایند، باز خورد بین فردی دریافت شده، منجر به یک ادراک از خویشتن می‌شود. این ادراک، بوسیله مقایسه‌گر با درون داد هنجار هویت مقایسه می‌شود. زمانی که هنجار با ادراک خویشتن ناهماهنگ باشد، خطا یا اختلالی به وجود می‌آید که برای تأیید رفتار منجر به اصلاح هویت در هم ریخته قبلی می‌شود. برای این که اصلاح صورت گیرد، رفتار شناختی ممکن است ادراکات خویشتن را به‌طور منظم شکل دهد و یا رفتار اجتماعی ممکن است موقعیت بین فردی را تغییر دهد که منجر به بازخوردهای اجتماعی جدید می‌شود.

1. Martinussen

2. Kerpleman, Pittman, & Lamke

3. Burk

4. Self

5. Stets, Tsushima

برزونسکی^۱ (۱۹۹۲) با استفاده از نظریه کنترل هویت، الگویی ارائه کرده است که بر تفاوت‌های فردی در زمینه پردازش شناختی- اجتماعی نوجوانان در رویارویی یا اجتناب از سازمان دهی یا باز سازمان دهی مسائل مربوط به هویت تأکید می‌کند.

برزونسکی (2003a) مفهوم هویت را یک نظریه راجع به خویشتن^۲ می‌داند و اظهار می‌کند افراد نظریه پردازانی هستند که در فرایند استدلال نظری مربوط به خود درگیرند. براساس این دیدگاه افراد به شیوه‌های متفاوتی به نظریه پردازای راجع به خود می‌پردازند، یعنی افراد در چگونگی مواجهه و پردازش اطلاعات، تصمیم‌ها و تعارضات مرتبط با هویت، با هم تفاوت دارند. او سه سبک نظریه پردازای را تشخیص داده است که عبارتند از علمی اطلاعاتی^۳، جزمی هنجاری^۴، موقعیتی مغشوش / اجتنابی^۵.

افرادی که از شیوه علمی استفاده می‌کنند اطلاعات مدار هستند و همواره یک نگرش همراه با تردید درباره خودشان دارند. آنان به جستجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند و همواره درگیر یک فرایند خود کاوشگری فعال هستند. محتوی هویت این افراد بیش تر شخصی (مثل اهداف، ارزش‌ها و معیارهای خودشان) است و میزان بازخوردهای مربوط به خود را که منجر به تأکید دیدگاه‌های شخصی آنان می‌شود، اساس خود ارزیابی‌ها قرار می‌دهند.

افرادی که به سبک جزمی و هنجاری عمل می‌کنند همواره با تجارب و انتظارات افراد مهم زندگی خود (مثل والدین) هم‌نوایی می‌کنند. این افراد تلاش می‌کنند تا ساختارهای مربوط به خود را که از قبل موجود است، حفظ کنند و در مقابل تهدیدات بالقوه مرتبط با ساختارهای موجود، از طریق پاسخ‌های قالبی و تمرینات شناختی به دفاع می‌پردازند. محتوی هویت این افراد مبتنی بر عناصر خود جمعی (مثل خانواده، مذهب و یا کشور) است. معیار ارزشی این نوجوانان، ارزش‌ها و انتظارات افراد مهم زندگی آنان است و هدف آنان بر مبنای افزایش عزت نفس جمعی- به‌طور مثال از طریق مقایسه گروه‌هایی که آنان را از سایر افراد متمایز می‌کند- تنظیم شده است.

افرادی که به سبک موقعیتی راجع به خود نظریه پردازای می‌کنند به‌طور دائم براساس تقاضاهای محیطی واکنش نشان می‌دهند. این افراد جهت‌گیری مغشوش یا اجتنابی نسبت به اطلاعات مرتبط با

1. Berzonsky

2. Self theory

3. Informational

4. Normative

5. Diffuse-Avoidant

خود دارند. درک این افراد از هویت مبتنی بر عناصر خود اجتماعی (مثل محبوبیت، شهرت و تأثیر روی دیگران) است. خود ارزیابی‌های این افراد براساس انتظارات فوری، موردی و تقاضاهای موقعیتی است. در الگوی پایگاه‌های چهارگانه هویت، تعهد معادل ساختار تعریف شده است (برزونسکی، 2003b). براساس نظر بریکمن^۱ (۱۹۸۷)، به نقل از برزونسکی، (2003b) "تعهد به رفتار فرد تحت شرایطی که او سعی دارد طور دیگری عمل کند، ثبات می‌بخشد". تعهد یک چارچوب ارجاعی جهت‌دار و هدفمند ایجاد می‌کند که رفتار و بازخوردهای آن در درون این چارچوب بازبینی، ارزیابی و تنظیم می‌شود. مطالعات برزونسکی (۱۹۹۰) ثابت کرده است که تعهد هویت با سبک‌های پردازش هویت رابطه دارد. افرادی که فرایندهای اطلاعاتی و هنجاری را به کار می‌گیرند، تعهدات قوی‌تری نسبت به افراد با سبک مغشوش / اجتنابی دارند.

فرهنگ و شکل‌گیری هویت

اریکسون (1969) معتقد است که نوجوانان قبل از دسترسی به یک تعهد به نسبت پایدار و احساس هویت ایمن، نقش‌های بدیل و الگوهای همانندسازی را که جامعه در دسترس آنان قرار می‌دهد، تجربه می‌کنند. بر همین اساس از نظر بومیستر و ماراوین^۲ (1996) جامعه نقش تاثیرگذاری در خلق و شکل دهی هویت دارد، به طوری که می‌توان هویت را نوعی سازگاری با بافت^۳ اجتماعی - فرهنگی دانست. فرهنگ، تاریخ و ساختار روابط اجتماعی بافتی را ایجاد می‌کنند که در آن انتظارات و نیازهایی که براساس آن هویت افراد شکل می‌گیرد، تعیین می‌شود (کوته، لوین^۴، 2002). بنابراین تفاوت هویتی در جوامع مختلف بر اساس ارزش‌های فرهنگی خاص ایجاد و گسترش پیدا می‌کند (آدامز، مارشال^۵، 1996). برای مثال در جوامع سنتی از نوجوان این انتظار وجود دارد که هویت زودرس یا هنجاری داشته باشد در حالی که جوامع مدرن و در حال گذار نوجوانان را به سوی هویت دیررس و اطلاعاتی هدایت می‌کنند (سالمنتوس-کانتوری، موری^۶، ۲۰۰۸).

1. Brickman

2. Baumeister, Muraven

3. Adaptation to Context

4. Cote , Levin

5. Adams, Marshal

6. Solomontos-Kountouri ,Murry

از نظر یودر^۱ (۲۰۰۰) تفاوت در فرایند شکل‌گیری هویت می‌تواند به بافت و محدودیت‌های زمانی خاص مانند موقعیت اجتماعی-اقتصادی، فرصت‌های آموزشی، موانع سیاسی، مذهب و جنسیت که از بیرون بر افراد تحمیل می‌شود و تعهد و کاوشگری آنان را در این حوزه‌ها محدود می‌کند، مرتبط باشد. برای مثال در گروه‌های اقلیت قومی - فرهنگی که در آن ارزش‌های هنجاری مرتبط با نقش‌های جنسیتی حاکم است، دختران برای داشتن هویت هنجاری تشویق و از دستیابی به هویت موفق یا اطلاعاتی منع می‌شوند. علاوه بر این کروگر (۱۹۹۶) معتقد است که در طول نوجوانی، والدین، هم سالان و نظام‌های تربیتی، مذهبی، سیاسی و قانون نقش حیاتی در شکل‌گیری هویت دارند. این نظام‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اعضای جوان‌تر خود را تنظیم می‌کنند و بر چسب‌هایی که این نظام‌ها به مسائل نوجوانی می‌زنند، در نهایت ممکن است مانع از این شود که علایق نوجوانانی که در جستجوی تعریف خود هستند، به بهترین وجه برآورده شود. کولی^۲ و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیق خود روی زنان جوان آشوری که به نیوزیلند مهاجرت کرده بودند، به این نتیجه رسیدند که زنان جوان مهاجر سعی می‌کنند تنش بین فرهنگ قومی و ملی خود را از طریق ادغام آن‌ها با یکدیگر یا استفاده از نشانه‌های هر کدام با توجه به موقعیت حل کنند، بنابراین در دو موقعیت هویتی - حالت هویت سردرگم یا اطلاعاتی - قرار می‌گیرند. این یافته در مورد نوجوانان دختر مسلمان انگلیسی پاکستانی تبار نیز صادق است (هاتنیک، کوران استریت^۳، ۲۰۱۰). آنان در میان گرایش به هویت فردی و نفی هویت قومی از یک سو و انتظارات والدین که با نفی استقلال فردی همراه است، از سوی دیگر، هویت جدیدی را برای خود ترسیم کرده‌اند. یافته‌های احمدلو (۱۳۸۱)، قانعی راد، موسوی، حمیدیان (۱۳۸۷) نیز نشان داده است که میزان تبعیت دو جنس در مورد پذیرش ارزش‌های فرهنگی متفاوت است و دختران کمتر از پسران با ارزش‌های فرهنگی که مانع از کسب هویت رشد یافته آنان می‌شود، همانند سازی می‌کنند.

جنسیت و شکل‌گیری هویت:

از نظر مارسیا (۱۹۸۰)، نگرانی‌های غالب دختران در دوران بلوغ، شغل و ایدئولوژی نیست بلکه آنان بیش‌تر به ایجاد و حفظ روابط بین فردی فکر می‌کنند؛ در حالی که پسران بیش‌تر به گرفتن تصمیماتی ترغیب می‌شوند که منجر به تعارضات بین فردی می‌شود، دختران همیشه ترغیب می‌شوند که به

1. Yoder

2. Collie

3. Hutnik, Coran Street

صورت یک فرد قابل قبول خود را ارائه کنند و از آنان انتظار می‌رود که در روابط بین فردی مهارت پیدا کنند و این مساله، فرایند هویت را به تأخیر می‌اندازد. از نظر مارسیا فرایند شکل‌گیری هویت در زنان طولانی‌تر از مردان است. براساس نظر بسیاری از نظریه پردازان (دوان، آدلسون، ۱۹۹۶، گیلیگان، ۱۹۸۲، مک کینی، وگل، ۱۹۸۷، به نقل از آرشر^۱، ۱۹۸۹) هویت در پسران، بر صمیمیت^۲ مقدم است، به طوری که اریکسون در نظریه خود فرض کرد که برای زنان صمیمیت بیش از هویت اهمیت دارد. آرشر (۱۹۸۹) در سه مطالعه پی در پی به بررسی نقش جنسیت در شکل‌گیری هویت پرداخت. او تفاوت‌های دو جنس را در فرایندها، حوزه‌ها و زمان‌بندی هویت مورد مطالعه قرار داد و نتیجه گرفت پسران و دختران از فرایندهای مشابهی در حوزه انتخاب شغل، باورهای مذهبی و نقش جنسیتی استفاده می‌کنند. در حوزه ایدئولوژی سیاسی، احتمالاً پسران بیش‌تر از هویت دیررس و دختران بیش‌تر از هویت مغشوش برخوردارند. در حوزه نقش‌های خانوادگی، دختران بیش‌تر از پسران پایگاه هویت موفق دارند. در هیچ یک از مطالعات، از نظر زمان‌بندی هویتی، تفاوتی در دو جنس مشاهده نشد.

شارپ^۳ و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود به بررسی تفاوت‌های مربوط به جنس در یک نمونه از نوجوانان و افراد در اوایل بزرگ سالی در سه کشور آمریکا، ایتالیا و شیلی پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که مردان و زنان سه کشور در زمینه انواع فعالیت‌های مربوط به تعریف خود تفاوتی ندارند. اما تفاوت‌های جنسیتی در تجربه‌های گزارش شده مربوط به هویت در درون این فعالیت‌ها مشاهده می‌شود. یافته‌های پژوهش فارسی نژاد (۱۳۸۳)، حجازی، فرتاش (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که دختران نسبت به پسران بیش‌تر از سبک هویت اطلاعاتی استفاده می‌کنند و تفاوت دو جنس در استفاده از سبک هویت هنجاری معنادار نیست. در پژوهش فارسی نژاد (۱۳۸۳) و برزونسکی (۲۰۰۸) پسران نمرات بالاتری در سبک مغشوش/اجتنابی نسبت به دختران کسب کرده‌اند ولی یافته حجازی، فرتاش (۱۳۸۵) به تفاوت نداشتن این سبک در میان دو جنس اشاره دارد. بر همین اساس می‌توان گفت که یافته‌های پژوهشی در مورد تفاوت دو جنس در هویت هماهنگ نمی‌باشد.

با توجه به شواهد ذکر شده، به نظر می‌رسد که فرهنگ و جنسیت بر فرایند شکل‌گیری هویت نقش داشته باشند، اما این نقش در جامعه ما چگونه است؟ همان گونه که شوارتز^۴ (۲۰۰۵) بیان می‌کند،

1. Archer

2. Intimacy

3. Sharp

4. Schwartz

مطالعه فرایند شکل‌گیری و تحول هویت در بافت‌های فرهنگی مختلف این امکان را فراهم می‌کند تا دانش موجود در مورد تعامل فرایند فرهنگ و هویت‌یابی افزایش پیدا کند. کشور ما جامعه‌ای با دو ویژگی اساسی است: دارا بودن تنوع فرهنگی و قومی و در حال گذار بودن از سنت به مدرنیته. باید توجه داشت که آهنگ تغییرات در تمام نقاط کشور ما به یکسان رخ نمی‌دهد، برای مثال کلان شهرها اولین نقاطی هستند که دست‌خوش بیش‌ترین تغییر می‌شوند و مناطق قومی - فرهنگی با سرعت کم‌تری این تغییرات را تجربه می‌کنند. با توجه به این ویژگی‌ها مطالعه حاضر به دنبال دستیابی به اهداف زیر است:

- ۱- مقایسه سبک‌های هویت دختران و پسران با توجه به فرهنگ (کرد و فارس زبان)؛
- ۲- مقایسه سبک‌های هویت و تعهد هویت نوجوانان برحسب فرهنگ (کرد و فارس زبان)؛
- ۳- شناسایی اثر تعاملی جنس و فرهنگ بر سبک‌های پردازش و تعهد هویت.

روش شناسی

با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای، از بین دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان‌های دولتی شهر تهران، تعداد ۴۳۰ نفر دختر و پسر و از بین دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان‌های دولتی شهر سنندج در همان سال تحصیلی، تعداد ۴۰۰ نفر دختر و پسر انتخاب شدند. بعد از حذف پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص، در نهایت داده‌های مربوط به ۳۸۴ دانش‌آموز فارس زبان تهرانی (۱۹۳ پسر و ۱۹۱ دختر) و ۳۷۵ دانش‌آموز (۱۸۱ پسر و ۱۹۴ دختر) کرد زبان اهل سنندج مورد تحلیل قرار گرفتند.

ابزار گردآوری داده‌ها

سیاهه سبک‌های هویت^۱ (ISI-6G)

این ابزار توسط برزونسکی در سال ۱۹۸۹ ساخته شد و به وسیله وایت^۲ و همکارانش (۱۹۹۸) مورد تجدید نظر قرار گرفت. سیاهه تجدیدنظر شده سبک‌های هویت به شیوه‌ای تنظیم شده است که افراد حتی با میزان تحصیلات ابتدایی قادر به پاسخ‌گویی به آن باشند. در مطالعه حاضر به دلیل داشتن نمونه کرد زبان، استفاده از این نسخه اولویت بیش‌تری داشت. این سیاهه حاوی ۴۰ گویه است که ۱۱

1. Identity Style Inventory- 6 Grade

2. White

گویه آن به سبک هویت اطلاعاتی، ۱۰ گویه به سبک هویت مغشوش / اجتنابی و ۹ گویه به سبک هویت هنجاری اختصاص دارد و ۱۰ گویه برای تعهد هویت منظور شده است. پیوستار پاسخ‌ها بر پایه طیفی از کاملاً مخالف، تا حدودی مخالف، مطمئن نیستیم، تا حدودی موافق و کاملاً موافق رتبه‌بندی شده است و به ترتیب نمره‌های یک، دو، سه، چهار و پنج به هر گزینه اختصاص پیدا کرده است. وایت و همکارانش (۱۹۹۸) ضریب قابلیت اعتماد^۱ برای هر یک از سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و مغشوش و تعهد هویت را به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۶۴، ۰/۷۸ و ۰/۷۶ به دست آوردند. در پژوهش حاضر ضریب قابلیت اعتماد برای خرده مقیاس‌های سبک هویت اطلاعاتی ۰/۷۵، سبک هویت هنجاری ۰/۶۳، سبک هویت مغشوش اجتنابی، ۰/۶۸ و تعهد هویت ۰/۷۰ به دست آمد. اعتبار^۲ این ابزار به وسیله حجازی و همکاران (۲۰۰۹) از طریق تحلیل عامل تأییدی، تأیید شده است.

روش اجرای پژوهش

نخست سیاهه سبک‌های هویت به صورت مقدماتی در میان تعدادی از دانش‌آموزان کرد زبان اجرا شد تا وضعیت درک مطلب ابزار بررسی شود. پس از آن ابزار در میان نمونه اصلی اجرا شد. برای جمع‌آوری داده‌ها، توضیحاتی به دانش‌آموزان راجع به ابزار، هدف و روند مطالعه، ضرورت دقت در پاسخ‌گویی و اهمیت همکاری ارائه شد. به منظور جلوگیری از ایجاد حساسیت و انحراف در پاسخ‌ها به جای کلمه هویت از عبارت ویژگی‌ها و عقاید فردی استفاده شد. شرایط اجرا در هر دو مکان (سنندج و تهران) یکسان بود. برای پاسخ‌گویی هیچ‌گونه محدودیت زمانی در نظر گرفته نشده بود و اجرای پرسشنامه به‌طور متوسط ۳۰ دقیقه طول کشید.

یافته‌ها

برای دستیابی به اهداف پژوهش، پس از محاسبه آماره‌های توصیفی، از تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) استفاده شد. شاخص‌های توصیفی در جدول ۱ ارائه شده است.

1. Reliability

2. Validity

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک جنس و فرهنگ

انحراف معیار		میانگین		انحراف معیار		میانگین		
فارس	کرد	فارس	کرد	پسر	دختر	پسر	دختر	
۰/۴۹	۰/۵۲	۳/۹۳	۳/۸۵	۰/۵۱	۰/۵۱	۳/۵۷	۳/۹	سبک هویت اطلاعاتی
۰/۶۳	۰/۵۹	۳/۳۱	۳/۲۲	۰/۶۵	۰/۶۵	۳/۳۶	۳/۱۷	سبک هویت هنجاری
۰/۶۵	۰/۵۶	۲/۶۹	۳/۳۹	۰/۶۳	۰/۶۲	۲/۵۶	۲/۰۲	سبک هویت معشوش
۰/۶۵	۰/۵۳	۳/۷۱	۳/۷۵	۰/۵۶	۰/۶۲	۳/۷۸	۳/۶۸	تعهد هویت

برای مقایسه سبک‌های هویت در دو جنس و در دو فرهنگ از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. برای انجام تحلیل واریانس چند متغیره نخست مفروضه‌های آن بررسی شد. در این راستا آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی شرط نرمال بودن توزیع متغیرها نشان داد که این مفروضه برقرار است. برای بررسی مفروضه زیربنایی تقارن مرکب ماتریس واریانس - کواریانس از آزمون ام. باکس استفاده شد. نتایج این آزمون معنادار شد ($F=۲/۳۱۳$ و $P=۰/۰۰$) اما با توجه به برابری نسبی تعداد اعضای گروه، تخطی از این مفروضه نتایج را خدشه‌دار نمی‌کند. آماره‌های چهارگانه مربوط به آزمون مانوا^۱ برای اثر جنس، اثر فرهنگ و اثر تعامل جنس و فرهنگ همگی معنادار شدند. اما به دلیل مقاوم بودن آماره لامبدای ویلکز، نتایج آن گزارش می‌شود.

1. Manova

جدول ۲: آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای بررسی اثر جنس و فرهنگ بر سبک‌های

هویت

اثر	آزمون	F	Sig.
فرهنگ	لامبدای ویلکز	۸/۲۷	۰/۰۰
جنس	لامبدای ویلکز	۱۵/۷۹	۰/۰۰
جنس. فرهنگ	لامبدای ویلکز	۷/۸	۰/۰۰

با توجه به نتایج جدول ۲ اثر فرهنگ، اثر جنس و اثر تعامل فرهنگ و جنس بر سبک‌های هویت معنادار است.

جدول ۳: آزمون‌های تحلیل تک متغیره در بررسی اثر جنس و فرهنگ بر سبک‌ها و تعهد

هویت

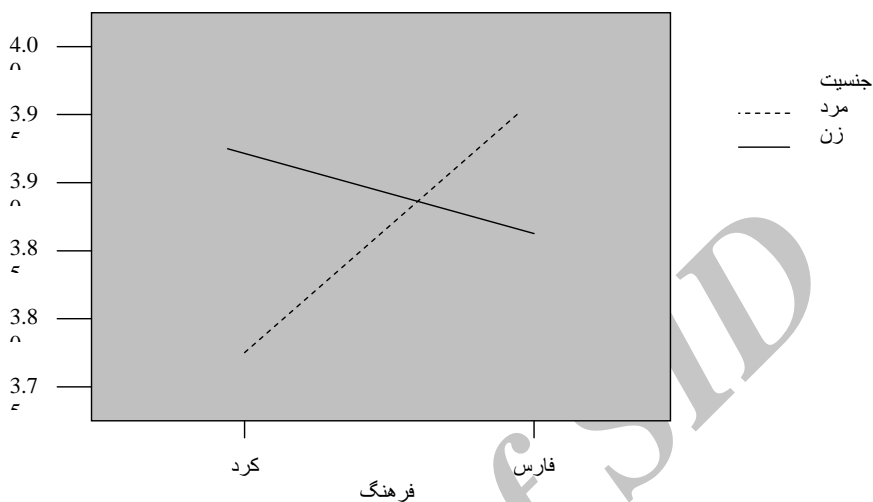
اثر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری F
فرهنگ	سبک اطلاعاتی	۱/۳۳۸	۱	۱/۳۳۸	۵/۱۹۹	۰/۰۲۳
	سبک هنجاری	۱/۲۴۹	۱	۱/۲۴۹	۳/۴۸۷	۰/۰۶۲
	سبک مغشوش / اجتنابی	۱۷/۹۹۲	۱	۱۷/۹۹۲	۴۸/۸۱۳	۰/۰۰۰
	تعهد هویت	۰/۳۷۷	۱	۰/۳۷۷	۱/۰۶	۰/۳۰۳
جنس	سبک اطلاعاتی	۰/۱۶۱	۱	۰/۱۶۱	۱۹/۱۲۴	۰/۰۰۰
	سبک هنجاری	۶/۸۴	۱	۶/۸۴	۰/۶۲۴	۰/۴۳۰
	سبک مغشوش / اجتنابی	۰/۱۶۷	۱	۰/۱۶۷	۶/۱۷۸	۰/۰۱۳
	تعهد هویت	۲/۱۸۸	۱	۲/۱۸۸	۰/۴۴	۰/۵۰۱

۰/۰۰۴	۸/۲۱۲	۲/۱۱۴	۱	۲/۱۱۴	سبک اطلاعاتی	جنس فرهنگ
۰/۰۰۰	۲۳/۲۲۸	۸/۳۲۱	۱	۸/۳۲۱	سبک هنجاری	
۰/۰۲۵	۵/۰۵۲	۱/۸۶۲	۱	۱/۸۶۲	سبک مغشوش / اجتنابی	
۰/۱۱۹	۲/۴۴۰	۰/۸۶۴	۱	۰/۸۶۴	تعهد هویت	

نتایج آزمون تک متغیره (جدول ۳) نشان داد که تفاوت دو گروه کرد و فارس از نظر سبک هویت اطلاعاتی ($P < 0/05$, $F = 5/199$) و سبک هویت مغشوش ($P < 0/01$, $F = 48/813$) معنادار است. مقایسه میانگین‌های مربوطه نشان می‌دهد که دانش‌آموزان فارس در مقیاس سبک هویت اطلاعاتی ($M = 3/93$) نسبت به دانش‌آموزان کرد ($M = 3/85$) عملکرد بهتری دارند. همچنین نتایج بیانگر برتری نمرات دانش‌آموزان کرد ($M = 39/3$) در سبک هویت مغشوش نسبت به نمرات دانش‌آموزان فارس ($M = 2/69$) است. این دو گروه از نظر سبک هویت هنجاری و تعهد هویت تفاوت معناداری نشان ندادند.

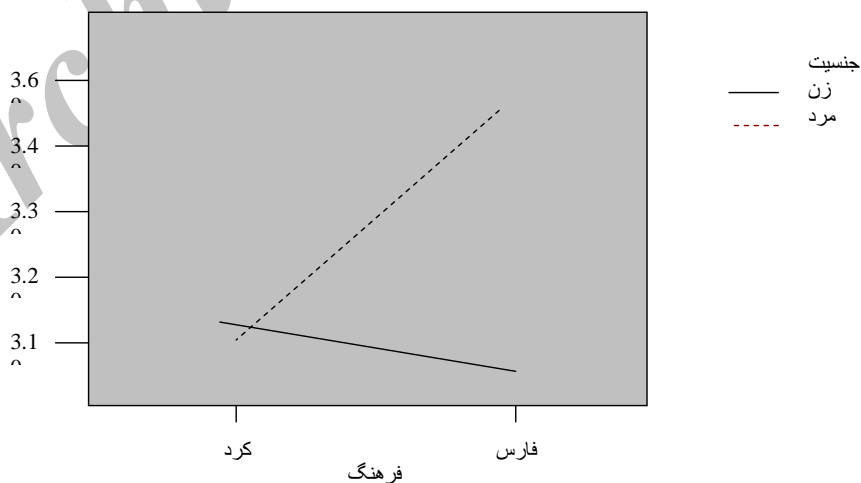
مقایسه پسران و دختران در آزمون‌های تک متغیره نشان داد که این دو گروه از نظر سبک هویت هنجاری و تعهد هویت با هم تفاوت معناداری ندارند، اما تفاوت آن‌ها در سبک هویت اطلاعاتی ($P < 0/001$, $F = 19/104$) و سبک مغشوش/اجتنابی ($P < 0/013$, $F = 6/178$) معنادار است. مقایسه میانگین نمرات پسران ($M = 3/57$) با دختران ($M = 3/9$) در مقیاس سبک اطلاعاتی بیانگر برتری دختران و مقایسه آنان ($M = 2/56$) با دختران ($M = 2/02$) در مقیاس سبک مغشوش / اجتنابی بیانگر برتری پسران در این مقیاس است.

بررسی اثرات تعاملی جنس در فرهنگ نشان می‌دهد که این اثرات در رابطه با هر سه سبک هویت معنادار اما در رابطه با تعهد هویت معنادار نیست. در ادامه نمودارهای مربوط به این اثرات بررسی می‌شود.



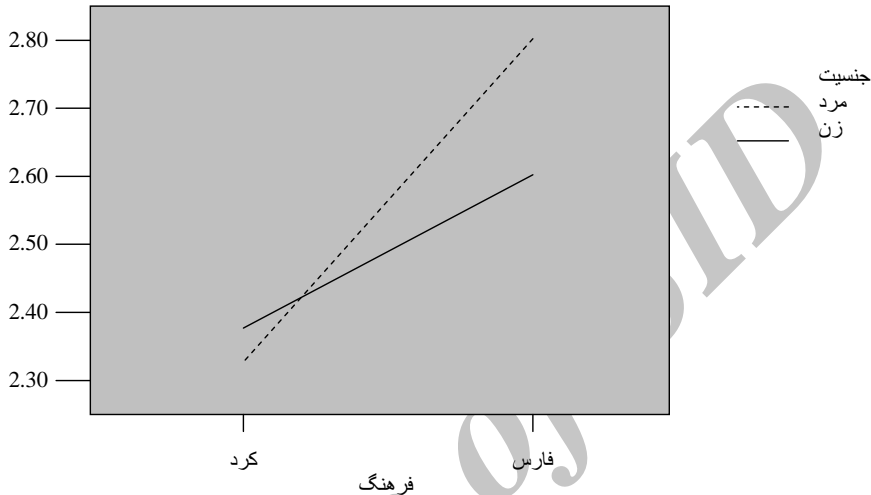
میانگین سبک هویت اطلاعاتی

همان طور که ملاحظه می‌شود در سبک اطلاعاتی پسران فارس از پسران کرد نمرات بالاتری کسب کردند و این در حالی است که نمرات دختران کرد در این مقیاس کمی از نمرات دختران فارس بالاتر است.



میانگین سبک هویت هنجاری

با توجه به نمودار اثرات تعاملی مربوط به سبک هنجاری، در این مقیاس پسران فارس از پسران کرد و دختران کرد از دختران فارس بالاتری کسب کردند.



میانگین سبک هویت مخشوش

همان طور که در نمودار فوق مشاهده می‌شود در مقیاس سبک هویت مخشوش، دختران کرد از پسران کرد نمرات بالاتری کسب کردند و لی در دانش‌آموزان فارس این برتری متعلق به پسران است.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان داد که سبک‌های پردازش هویت تحت تأثیر فرهنگ و جنسیت و تعامل فرهنگ و جنسیت قرار دارد.

براساس یافته‌ها بین دو جنس از نظر سبک‌های هویت تفاوت وجود دارد و دختران بیش‌تر از پسران از سبک اطلاعاتی استفاده می‌کنند.

این یافته با بخشی از نتایج تحقیق اسمیت و همکاران (۲۰۰۸)، حجازی، فرتاش (۱۳۸۵)، فارسی نژاد (۱۳۸۳) و برزونسکی (۱۹۹۲، 2003b) هم‌خوان است. برزونسکی علت این تفاوت را مشارکت بیش‌تر زنان در شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی مطرح می‌کند و معتقد است که عضویت در گروه‌های اجتماعی باعث افزایش رفتارهای هدفمند و خودجوش می‌شود و همین ویژگی امکان دستیابی زنان به سبک هویت اطلاعاتی را افزایش می‌دهد. اما می‌توان تبیینات دیگری نیز با توجه به بافت فرهنگی ایران

مطرح کرد. تحولات اجتماعی سال‌های اخیر و موفقیت‌های زنان در عرصه‌های اجتماعی و به ویژه آموزشی موجب تقویت انگیزه موفقیت و پیشرفت در دختران شده است. شرط دست پیدا کردن به موفقیت داشتن خودباوری و عاملیت یا به عبارت دیگر کاوشگری در مورد توانایی‌های خود است. بر همین اساس دختران بیش‌تر از پسران به دنبال ترسیم موقعیت‌های جدید برای خود هستند. بنابراین در سبک هویت اطلاعاتی نسبت به آنان برتری دارند. یافته‌ها همچنین نشان داد که پسران به‌طور معناداری بیش‌تر از دختران از سبک مغشوش/اجتنابی استفاده می‌کنند. این یافته با یافته‌های فارسی نژاد (۱۳۸۳) و برزونسکی (۲۰۰۸) هم‌خوان است. برزونسکی برتری نمرات پسران در سبک مغشوش/اجتنابی را به تفاوت در فرایندهای جامعه‌پذیری نقش جنسی مرتبط می‌داند و معتقد است که در دوران کودکی برای پسران نسبت به دختران آزادی بیش‌تر و محدودیت کم‌تری در نظر گرفته می‌شود. شاید به همین دلیل است که پسران کم‌تر از دختران به دنبال دستیابی اطلاعات در مورد خود و تعریف نقش‌های جدید هستند. برتری پسران در سبک مغشوش/اجتنابی در جامعه ما می‌تواند ناشی از آن باشد که در جامعه ما مسوولیت اصلی خانواده بر عهده مردان است و از پسران این انتظار وجود دارد که برای احراز این مسوولیت و ایفای نقش آماده شوند؛ اما نبود تناسب بین تحصیل، شغل و درآمد می‌تواند منجر به ایجاد یک وضعیت دوگانه و مغشوش در آنان شود.

یافته‌ها همچنین بیانگر برتری سبک اطلاعاتی در میان نوجوانان فارس زبان و مغشوش/اجتنابی در میان نوجوانان کرد زبان است. اما در بررسی یافته‌های اثرات تعاملی جنس و فرهنگ تفاوت در هر سه سبک هویت مشاهده می‌شود. بر اساس نمودار یک مشاهده می‌شود که دختران کرد و پسران فارس زبان به‌طور معناداری بیش‌تر از پسران کرد دارای سبک هویت اطلاعاتی هستند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که تاثیر جنس بر هویت بر اساس فرهنگ متفاوت است. یودر (۲۰۰۰) معتقد است که برخی محدودیت‌ها مثل جنسیت و فرصت‌های آموزشی، می‌تواند فرایند دستیابی به هویت رشد یافته را به تاخیر اندازد. در همین رابطه بومیستر و ماراوی (۱۹۹۶) معتقدند که آموزش نقش مهمی در رفع محدودیت‌های هویت دارد زیرا نوجوانان با دسترسی به آموزش دنیای آینده و هویت شغلی خود را ترسیم و خود را از محدودیت‌های خانوادگی و جنسیتی رها می‌کنند. به نظر می‌رسد که دختران کرد زبان با توجه به تحولات اجتماعی از یک سو و دسترسی به فرصت‌های آموزشی از سوی دیگر توانسته‌اند تا این محدودیت‌ها را به فرصت تبدیل کنند. به عبارت دیگر دختران کرد به دنبال یافتن اطلاعات برای بازتعریف خود هستند. از طرف دیگر شاید بتوان گفت که دختران نسبت به ارزش‌های فرهنگی که بر رفتارهای قومی تاکید دارند و زنان را به داشتن هویت هنجاری تشویق می‌کنند، مقاومت

نشان می‌دهند و با کاوشگری تلاش می‌کنند تا اطلاعات بیشتری در مورد خود و توانایی‌های خود کسب کنند؛ به عبارت دیگر دختران درصدد کسب تعهد براساس کاوشگری هستند. این یافته با نتایج احمدلو (۱۳۸۱)، قانعی راد، موسوی، حمیدیان (۱۳۸۶) همخوان است. این پژوهشگران نیز دریافتند که دختران کم‌تر از پسران به رفتارهای قومی تمایل نشان می‌دهند و هویت قومی ضعیف‌تری در مقایسه با پسران دارند.

براساس یافته‌ها پسران فارس زبان اطلاعاتی‌تر از پسران کرد زبان هستند. آنان همچنین در سبک هنجاری و مغشوش/اجتنابی نیز بر پسران و دختران کرد و دختران فارس زبان برتری دارند. این یافته‌ها با توجه به بافت پیچیده فرهنگی تهران قابل تبیین است. تهران از خرده فرهنگ‌های مختلفی تشکیل شده است که از یک سو گزینه‌ها و اطلاعات بیشتری را در اختیار نوجوانان به خصوص پسران قرار می‌دهد و از سوی دیگر بر جنبه‌های استقلال فردی و خودمختاری بیش‌تر تأکید دارد. در این صورت امکان گرایش نوجوانان به ویژه پسران به سوی سبک اطلاعاتی (جستجو و انتخاب فعال اطلاعات، اعتماد به قضاوت‌های خود و تصمیم‌گیری مستقل) بیش‌تر فراهم می‌شود. در این بافت پیچیده اطلاعاتی اگر براساس نظر برک (۱۹۹۷) یک مقایسه‌گر مشخص وجود نداشته باشد، یعنی فرد در مواجهه با موقعیت‌های جدید ابزار مناسب و بازخورد اصلاح‌گر در اختیار نداشته باشد ممکن است دچار سردرگمی شود. به نظر می‌رسد که این پدیده برای پسران بیش‌تر از دختران صادق باشد.

براساس یافته‌ها پسران کرد زبان نیز بیش‌تر از دختران کرد و فارس از سبک هویت هنجاری استفاده می‌کنند. در تبیین این یافته شاید بتوان گفت در فرهنگی که تأکید بر حفظ سنت‌ها دارد و جایگاه خاصی برای مردان قایل است، نوجوانان پسر با درونی کردن این ارزش‌ها و حفظ هویت فرهنگی، ترجیح می‌دهند که سبک پردازش هویت هنجاری داشته باشند و به این ترتیب درگیری و تعارض کم‌تری را نیز تجربه کنند. به عبارت دیگر هویت آنان در راستای سازگاری با بافت فرهنگی آنان است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بررسی هویت دختران و پسران باید در بافت فرهنگی آن مورد مطالعه قرار گیرد. بنابراین برای داشتن تصویری از وضعیت هویتی نوجوانان، ضروری است تا مطالعات آینده به مقایسه سبک‌های هویت نوجوانان اقوام ایرانی با نوجوانان ساکن در قسمت‌های مرکزی کشور بپردازد تا درک بیش‌تری از تاثیر خرده فرهنگ‌ها و قومیت‌ها بر شکل‌گیری هویت بدست آید. این دانش می‌تواند منجر به ارائه راهکارهایی برای مداخلات فرهنگی، آموزشی و درمانی در این زمینه شود.

منابع

- احمدلو، حبیب (۱۳۸۱) «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، ۱۳، ۳۵-۲۰.
- حجازی، الهه و فرناش، سهیلا (۱۳۸۵) «تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد و کیفیت دوستی»، پژوهش زنان، ۱۵، ۷۶-۶۱.
- فارسی نژاد، معصومه (۱۳۸۳) «بررسی رابطه سبک‌های هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستانهای شهر تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- قانع‌راد، محمد امین، سید یعقوب موسوی، اکرم حمیدیان، (۱۳۸۶) «جنسیت و هویت قومی (نمونه شهر خرم‌آباد)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، ۱۵، ۱۹۰-۱۶۷.
- Archer, S. L. (1989). "Gender differences in identity development: Issues of process, domain and timing". *Journal of Adolescence*. 12, 117-138.
- Adams, G. R. , Marshall, S. A. (1996), "A developmental social psychology of identity: understanding the person –in –context", *Journal of Adolescence*, 19,429-442.
- Baumeister, R. F. , Muraven, M. (1996), "Identity as adaptation to social, cultural, and historical context", *Journal of Adolescence*, 19,405-416.
- Berzonsky, M. D. (2008). "Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes". *Personality and Individual Differences*. 44, 645-65.
- Berzonsky, M. D. (2004). " Identity Style, parental authority, and identity commitment". *Journal of youth and adolescence*. 33 (3), 213-220.
- Berzonsky, M. D. (2003a). " Identity style and Well-Being: Does commitment matter?," *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3(1), 131-142.
- Berzonsky, M. D. (2003b). "The structure of Identity: commentary on Jane Kroger's view of Identity status transition". *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3(3), 231-245.
- Berzonsky, M. D. (1992). " Identity style and coping strategies". *Journal of personality*, 6, 0771-788.
- Berzonsky, M. D. (1990). " Self-construction over the life- span: A process

- perspective on identity formation". *Advances in personal construct psychology*, 1, 155-186.
- Berzonsky, M. D. (1989). "Identity style: Conceptualization and measurement". *Journal of Adolescent Research*, 4, 268-282.
- Burke, P. J. (1997), "An Identity model for network exchange". *American Sociological Review*, 62, 134-150.
- Collie. P. Kindon. S, Liu. J. A. Podsiadlowski, A. (2010), "Mindful identity negotiations: The acculturation of young Assyrian women in New Zealand", *International Journal of Intercultural Relations*, 34. 208-220.
- Cote, J. E. , Levine, C. G. (2002), "*Identity formation, agency, and culture*", Mahwa, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Crocetti. E, Rubini. M, Berzonsky, M. D, Meeus. W. (2009). "Brief report: The identity style inventory - validation in Italian adolescents and college students". *Journal of Adolescence*, 32. 425-433.
- Erikson, E. H. (1969). "*Identity: Youth and Crisis*". New York. London.
- Hejazi, E. , Shahraray, M. , Farsinejad, M. , Asgary, A. (2009), "Identity styles and academic achievement: Mediating role of academic self-efficacy", *Social Psychology of Education*, 12, 123-135.
- Hutnik, N. , Coran Street, R. (2010), "Profiles of British Muslim identity: Adolescent girls in Birmingham", *Journal of Adolescence*, 33, 33-42.
- Kroger, J. , Martinussen, M. , Marcia, J. E. (2009). "Identity status change during adolescence and young adulthood: A meta-analysis". *Journal of Adolescence xxx. 1-16.*
- Kroger, J. (1996). "*Identity in adolescence. The balance between self and other*", (2nd Ed). London: Rutledge
- Kroger, J. (1993), "Ego identity: An overview", In J, Kroger (Ed.), *Discussions on ego identity*, Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Kerpelman, J. L. , Pittman, J. F. , & Lamke, L. K. (1997). "Toward a micro process perspective on adolescent identity development: An identity control theory approach". *Journal of Adolescent Research*. 12(3), 325-346.
- Marcia, J, E. (1980). "Identity and adolescence", In J. E. Adelson (Ed.), *Hand book for Adolescent psychology*. New York: Wiley.
- Schwartz, S. J. (2005). "A new identity for identity research: Recommendation for expanding and refocusing the identity literature", *Journal of Adolescent Research*,

20,293-308.

Solomontos-Kountouri, O. , Hurry, J. (2008),” Political, religious and occupational identities in context: Placing identity status paradigm in context”, *Journal of Adolescence*, 31. 241-258.

Stets, Jan, E. & Tsushima, T, m. (2001). “Negative emotion and coping responses within identity control theory”. *Social Psychology Quarterly*, 64(3), 283-295.

Sharp. E. H. , Coatsworth. J. D. , Darling. D, Cumsille. P. , Ranieri. S. (2007). “Gender differences in the self- defining activities and identity experiences of adolescents and emerging adults”. *Journal of Adolescence*. 30, 251-269.

Smits. I. , Soenens. B. , Luychx. K. , Duriez. B. , Berzonsky. M. D, Goossens. L. (2008). ” Perceived parenting dimensions and identity styles: Exploring the socialization of adolescents' processing of identity- relevant information”. *Journal of Adolescence*. 31, 151-164.

White, J. M. , Wampler, R. S. , & Winn, K. I. (1998). “The Identity style inventory: A revision with a sixth-grade reading level”. *Journal of Adolescent Research*, 13(2), 223-245.

Yoder,A. E. (2000), “Barriers to ego identity status formation: A contextual qualification of Marcia’s identity status paradigm”. *Journal of Adolescence*, 23, 95-106.